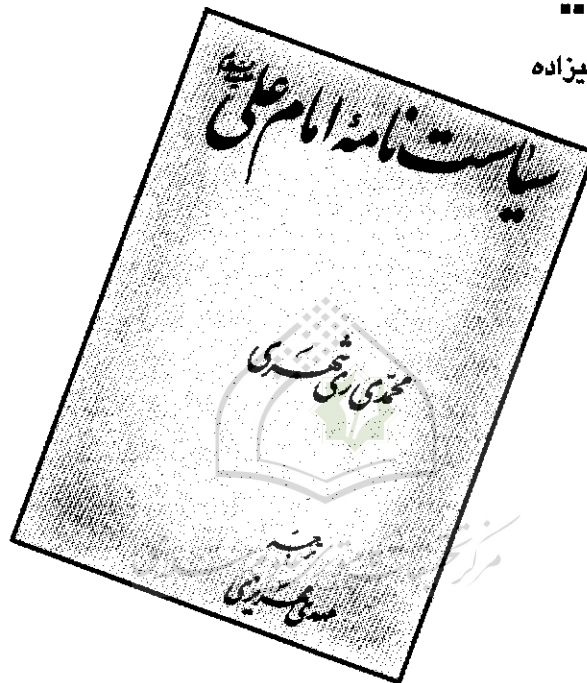


# سیاست نامه امام علی (ع)

## در یک نگاه

رضا علیزاده



سیاست نامه امام علی (ع). محمد مهدوی شیرازی،  
مترجم: مهدی مهریزی، تحقیق: مرکز تحقیقات دارالحدیث،  
ناشر: دارالحدیث، ۱۷۵ ص، وزیری.

اثر پربرگ و بار، آنچه از سیره و تاریخ امام علی (ع) یافته اند، سامانی سنجیده داده و نام «موسوعه» را سزوار کار خویش کرده اند و به حق چنان عنوانی برارنده چنین کار طاقت سوزی هست. از کسانی که در تدوین نهایی این اثر، سهمی داشته است،<sup>۱</sup> جناب مهدوی راد است که درباره آن می نویسد:

موسوعه الامام علی (ع) نگاهی است به زندگانی مولا، سیره علوی و تاریخ حیات کامل ترین انسان، برجسته ترین مؤنان و بزرگ ترین چهره تاریخ اسلام پس از رسول الله (ص).

۱. مجله آینه پژوهش، شماره ۶۶ (بهمین - اسفند ۷۹) ص ۱۰۷.

کتاب حاضر، متن و ترجمه جلد چهارم «موسوعه الامام علی بن ابی طالب فی الکتاب و السنة و التاریخ» همراه با افزوده هایی در مقدمه است. موسوعه الامام علی (ع) از مهم ترین و مفیدترین آثاری است که در سال های اخیر تحقیق و منتشر شده و چشم علاقه مندان به ساحت قدس علوی را پس روشن کرده است. درباره این مجموعه ۱۲ جلدی، سخنان بسیاری می توان گفت و سزا است که که اهل پژوهش های دینی، از کار آمدی ها و کاستی های آن بگویند و بنویسند. نویسندگان موسوعه الامام علی (ع)، آقایان: محمد محمدی ری شهری و محمد کاظم طباطبایی و محمود طباطبایی، در این

«موسوعة...» به آهنگ برنمودن برجسته ترین، آموزنده ترین و سیره سپیدی آفرین امیرالمؤمنین (ع) به قلم آمده است.

«موسوعة...» می کوشد با ترسیم چهره ملکوتی امام انسانیت و گزارش ویژگی های علمی، اخلاقی و عملی زندگانی سرشار از ایمان و اقدام پیشوای حقیقت، و تبیین تلاش های شگرف صدای عدالت انسانیت در راه عدالت گستری و حق مداری عملاً به این سؤال پاسخ گوید که چرا کتاب الهی «علی» را در کنار خداوند، شاهد «رسالت» قرار داده است.

«موسوعة...» با طرحی نو، پردازش ابتکاری و نظمی جدید و کارآمد، سیره علوی را در شانزده بخش در پیش دید پژوهشگران و جستجوگران معارف علوی و شیفتگان مولا و تشنگان حق و حقیقت قرار دهد.<sup>۲</sup>

شانزده بخش کتاب، همه از صافی های «کتاب»، «سنت» و «تاریخ» می گذرند و گزارش مختصری درباره هریک بدین قرار است:

۱. شخصیت خانوادگی؛
۲. همراهی و همگامی مولا با رسول الله (ص)؛
۳. تلاش های رسول الله برای رهبری امام علی (ع)؛
۴. سیاست علوی (ع)؛
۵. مبانی اصلاحات علوی؛
۶. فتنه های داخلی؛
۷. واپسین ماه های حکومت؛
۸. شهادت؛
۹. امام از دیدگاه های گوناگون؛
۱۰. ویژگی های امیرالمؤمنین؛
۱۱. دانش های علوی (ع)؛
۱۲. داوری.
۱۳. نشانه های قدرت معنوی؛
۱۴. دوستی امام (ع)؛
۱۵. دشمنی با علی (ع)؛
۱۶. اصحاب و کارگزاران حکومت علی (ع).

نویسنده معرفی این اثر در شماره پیشین همین مجله، برای «موسوعة الامام علی (ع)» چندین ویژگی برشمرده است که بی آن که قلم را به ارزش داوری نزدیک گردانیم، آن ها را یک یک برشمریم:

- یک. جامعیت، همراه گزیده نگاری؛
- دو. استاد گسترده به منابع فریقین؛

سه. اعتبار منابع؛

چهار. تحلیل و جمع بندی؛

پنج. توجه به واقع زمان و کاربردی بودن محتوا؛

شش. ابتکار در نگارش؛<sup>۳</sup>

هفت. توضیح و تفسیر؛

هشت. اخلاق نگارش.<sup>۴</sup>

در همان معرفی (مجله حاضر، شماره پیشین، ص ۱۰۶-۱۱۹) نویسنده از اهمیت بخش پنجم کتاب که تمام صفحات مجلد چهارم را به خود اختصاص داده است، سخن می گوید و می نویسد: «در این مجلد (جلد چهارم = سیاست نامه امام علی) که آن را به گونه ای می توان «سیاست نامه علوی» نام نهاد، به گستردگی و براساس نصوص روایی و تاریخی و با استناد به آثار علوی از مبانی، شیوه ها و روش های علوی در حکومت داری، سخن رفته است.»<sup>۵</sup>

به هر روی جلد چهارم موسوعه، حاوی مطالب و موضوعاتی است که آن را برانده نام «سیاست نامه» کرده است و به حق جامعیت و گزیده گویی - جز در بخش هایی از کتاب که خواهیم گفت - دغدغه و تلاش نویسنده موسوعه بوده است. روشن است که وقتی اثری دعوی جامعیت دارد، باید به رئوس و اضلاع اصلی و حتی فرعی موضوع مربوط پردازد و به هریک نگاه یا نیم نگاه داشته باشد. موسوعة الامام علی (ع) به گفته یکی از آفرینندگان آن، «جامع نصوص، متون و احادیث و نقل های گزارش شده در منابع و مصادر فریقین است، با نگاهی به آنچه درباره علی (ع) نگاشته شده است؛ بدان سان که پژوهشگر با مراجعه به این مجموعه مطمئن می شود که به عصاره آنچه درباره حضرت (ع) قلمی شده است، دست یافته، یا به لحاظ ارجاع های بسیار و اطلاع رسانی های گسترده ای که در منبع یابی و تکثیر مراجع شده است، از این طریق به موضوع و یا موضوع های مورد نیاز برای تحقیق می رسد.» (آینه پژوهش، شماره پیشین، ص ۱۱۸)

در «سیاست نامه امام علی (ع)» که ترجمه جلد چهارم و یا بخش پنجم «موسوعة الامام علی (ع)» است، غیر از فصول

۲. همان.

۳. مراد از ابتکار در نگارش، آن است که مطالب و موضوعات، به گونه ای طراحی شده است که پژوهشگر با نگاهی گذرا در جریان کلی مسائل کتاب قرار گیرد و با تأملی اجمالی، مطلوب خود را در آن بیابد. همچنین کوشش شده است که عناوین، واقع زندگی و سیره علوی را بدان گونه که الگو باشد، ارائه دهند. از این رو عناوین واقعی است، نه انتزاعی محض و ناکارگشا و ناکارآمد. (ر.ک: همان، ص ۱۱۹)

۴. همان.

۵. همان، ص ۱۱۰.

اصلی کتاب، چندین مقدمه نیز آمده است. نخست «سخن مترجم» را می‌خوانیم که در آن آمده است: «سیاست‌نامه امام علی (ع) گامی کوچک است که با گردآوری و تنظیم متون حدیثی و تاریخی و تحلیل اجمالی آن‌ها، زمینه تدوین اندیشه سیاسی و سیاست عملی امام علی (ع) را فراهم می‌کند.<sup>۶</sup> وی درباره قلم و ترجمه خود در این اثر، توضیح می‌دهد که «در ترجمه این کتاب، تلاش شد تا با حفظ روانی برگردان فارسی، از ساختار جمله‌های عربی خارج نشویم؛ گرچه کاری بس دشوار بود؛ بویژه که در این مجموعه، متن‌های بسیار متفاوتی از قبیل نهج البلاغه، تاریخ طبری، الکامل، تاریخ یعقوبی، و... گرد آمده‌اند که هریک را شیوه نگارش ویژه‌ای است و به دوره‌ای از ادبیات نگارشی، وابسته.»<sup>۷</sup>

راقم این سطور در نمی‌یابد که چرا مترجم محترم کوشیده است که از «ساختار جمله‌های عربی» خارج نشود؛ در عین حال، «حفظ روانی برگردان فارسی» را نیز در نظر داشته است. از ضرورت‌های ترجمه، آن است که زبان مقصد، خود را در قالب‌ها و ساختارهای زبان مبدأ محصور نکند، و مترجم هر قدر که بتواند خود و ترجمه‌اش را از آن نوع جمله‌سازی که مربوط به زبان مبدأ است، برهاند، توفیق بیش‌تری در برگرداندن متن به زبان مقصد، داشته است. روشن است که این قالب شکنی با حفظ محتوا و روح کلی و حتی حفظ دقایق معنایی، مطلوب است، نه به بهای تحریب و تحریف معنا. از این رو در ترجمه‌های موفق و ماندگاری مانند آنچه استاد دکتر پرویز اتابکی از کتاب **وقعه صفین** نوشته نصر بن مزاحم ارائه داده و انتشارات علمی و فرهنگی، آن را با نام «بیکار صفین» چاپ کرده است، مترجم با حفظ اصالت - و گاه قداست لفظی - و محتوای متن مبدأ، عباراتی خوش‌خوان و صدد در صد فارسی را به ترجمه راه داده است. شاید مراد مترجم فاضل از تلاش برای بیرون درنیامدن از ساختار جمله‌های عربی، چیزی غیر از آن باشد که راقم سطور فهمیده و خورده گرفته است.

نکته دیگری که باز صاحب این قلم، در نمی‌یابد «دشواری ترجمه متونی است که - به گفته مترجم محترم - وابسته به دوره‌های مختلف نگارشی است.» زیرا وی چهار کتاب را نام برده است که غیر از نهج البلاغه، همگی مطابق ادبیات رسمی و معمول عرب تدوین شده‌اند. البته حساب نهج البلاغه جدا است که مترجم، مشکل خود را در این باره با دست انداختن به ترجمه زیبا و متین دکتر سید جعفر شهیدی، حل کرده است. گویا مترجم فاضل سیاست‌نامه در ترجمه عبارات کوتاه غرر الحکم نیز مشکلی نداشته‌اند؛ زیرا در این جا نیز - بنا به تصریح خود در

مقدمه - از ترجمه آقا جمال خوانساری کمک بسیار گرفته‌اند. می‌ماند ترجمه عباراتی از کتاب‌هایی مانند ارشاد شیخ مفید و الکامل ابن اثیر و تاریخ یعقوبی. این گونه آثار نیز مشکلات و آسانی‌های یکسانی دارند و به دلیل ملتمز بودن نویسندگانشان به ادبیات رسمی و سنتی در زبان عربی، تفاوت مهم و چندانی با یکدیگر ندارند.

درباره ترجمه این اثر، باز سخن خواهیم گفت.

پس از مقدمه کوتاه مترجم، مقدمه کوتاه دیگری از مؤلف را می‌خوانیم که علی‌القاعده و به دلیل محتوای آن، باید پیش از مقدمه مترجم می‌آمد. این یادداشت، معرفی کوتاهی از کتاب حاضر به دست می‌دهد و آن را «کارآمدترین بخش موسوعه الامام علی بن ابی‌طالب (ع) برای کشورداری و ارجمندترین سرمایه برای ساماندهی تمدن اصیل اسلامی در جامعه امروز بشر» می‌شناساند.<sup>۸</sup>

سپس این بخش از موسوعه را که اینک به «سیاست‌نامه امام علی» برگردان شده است، برای جهان اسلام و همه سیاستمدارانی که از حاکمیت زور و زر و تزویر رنج می‌برند، بسی مفید و آموزنده می‌خوانند و دلیل ترجمه عاجل این بخش از موسوعه را نیز همین می‌داند.<sup>۹</sup> نکات دیگری که در این مقدمه آمده است، بیش‌تر در حکم معرفی اثر است و افزوده دیگری ندارد.

اگر مراد مؤلف ارجمند موسوعه از بیان این که کتاب «سیاست‌نامه امام علی» نسخه کاملی برای سیاستمداران اسلامی و غیر اسلامی است، این باشد که سخنان و سیره علوی که در این کتاب رقم خورده است، چنین فایده و ارجی دارد، به غایت صحیح و پذیرفتنی است. ولی آنچه در این اثر ارزشمند گرد آمده، بخش‌هایی از تاریخ و روایات حضرت علی (ع) است که پیش‌تر در کتاب‌های پراکنده و یا تک‌نگاری‌های مربوط، بخش شده بود. فایده بس مهم و گره‌گشای این کتاب و ترجمه‌اش، جمع کردن آن پراکنده‌ها در یک جا است. در صورتی که تبیین سیاست علوی، نیاز به کار علمی بیش‌تری بر روی این مواد خام دارد، و تحلیل و بررسی‌های دقیق علمی - کاربردی است که رافع نیاز و پاسخگو به نیازمندی‌های عصر ما است. چنانچه اثری همه این مواد را در خود جای می‌داد و از آنها دقایق و حقایق سنجیده‌ای را بیرون می‌کشید، آن‌گاه آن اثر، بیش از پیش «برای جهان اسلام و سیاستمداران اسلامی، بلکه همه کسانی که از

۶. سیاست‌نامه امام علی (ع)، ص ۱۷.

۷. همان، ص ۱۸.

۸. همان، ص ۱۹.

۹. همان.

حاکمیت زور و زر و تزویر با نام های گوناگون رنج می برند و تشنه حکومت ارزش ها (و در رأس آن ها، عدالت) هستند، بسی مفید و آموزنده است. <sup>۱۰</sup> «هر چند همین مقدار نیز کاری سترگ و پاسخگو است و به حتم گره های بسیاری را می توان با چنین اثر مبارکی گشود. سخن بر سر این است که این مواد و منابع و نکات مهم که در این کتاب، همگی گرد هم آمده اند، خواهان چشمی تحلیلی و نکته سنج اند تا به نطق آیند و زبان هدایت بکشایند. به گفته مولانا در مثنوی، ماه در آسمان، بی آن که سخن بگوید، کاروان ها را راه می نماید و به مقصد می رساند؛ اما اگر همین ماه به سخن آید، کاروانیان را زودتر به سر منزل مقصود می رساند.

لیک اگر در گفت آید قرص ماه  
شب روان را زودتر آرد به راه  
از غلط ایمن شوند و از ذهول  
بانگ مه غالب شود بر بانگ غول  
ماه بی گفتن چو باشد رهنما  
چون بگوید شد ضیا اندر ضیا <sup>۱۱</sup>

از این رو سیاست نامه را باید آغاز راه دانست، نه پایان؛ آغاز راهی که در آن، گروه هایی از اهل پژوهش و نگارش به بازنگری و بازکاوی در این حجم عظیم از اطلاعات و دانسته ها پردازند و از درون آن ها سطرهای کتاب نهایی «سیاست نامه علی» را بنگارند.

آری؛ کتاب با درآمد مستوفایی به قلم و اشراف جناب مهدوی راد (ر. ک: مقدمه مؤلف) آغاز می شود که سرتاسر آن تحلیل و نکته سنجی است. نزدیک به ثلثی از کتاب، درآمد روشنگرانه ای است که بر همه کتاب ورود و حکومت دارد. بدین معنا که در پرتو نکات بدیع و تحلیل گرانه آن، می توان همه گزارش ها و روایت های کتاب را نیک تر فهمید و سنجید. در این درآمد، که گویا مشروح تراز درآمد جلد چهارم «موسوعه الامام علی (ع)» است، افزون بر نکات بسیاری که عصاره سیاست های علوی، محسوب می شود، تحلیلی نیز از «علل تنها ماندن امام علی (ع) در اواخر حکومت و دلایل عدم تداوم حکومت ایشان با توجه به سیاست های کارآمد آن حضرت <sup>۱۲</sup>» به خوانندگان ارائه می گردد.

نویسنده در «درآمد» نخست پرده از دو نوع سیاست در حکومت داری، برمی دارد و سیاست علوی را با تمام هیأت و هیبت، در مقابل سیاست اموی نشان می دهد. سپس از اصلاحات علوی (ع) سخن به میان می آورد و پاره ای از اقدامات اصلاحی حضرت (ع) را برمی شمرد.

«مبانی حکومت بر دل ها» عنوان بخشی دیگر از همین «درآمد» است که با این جمله کوتاه آغاز می شود: «اسلام، دین حکومت است. <sup>۱۳</sup>» اما پس از توضیحاتی معلوم می گردد که مراد مؤلف از حکومتی بودن دین اسلام، بیش تر حاکمیت بر دل ها است تا تن ها. می نویسد: «اسلام، آیین تکامل مادی و معنوی انسان است. بنیادی ترین عنصر این آیین نامه، محبت است. نقش محبت در تحقق حکومت اسلامی و برنامه هایی که این دین الهی برای پیشرفت جامعه انسانی رقم زده است، به حدی است که امام باقر (ع) دین اسلام را جز محبت نمی داند و تصریح می کند که: **هل الدین الا الحب**؛ <sup>۱۴</sup> آیا دینداری، جز دوستی و مهرورزی است؟ <sup>۱۵</sup> آن گاه از سیاست های اداری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی، امنیتی، جنگی و بین المللی امام سخن ها می گوید که از خواندنی ترین بخش های «درآمد» است، و ذیل هریک از این سیاست ها، خواننده را به نکات و موضوعاتی توجه می دهد که بیش از همه دولتمردان را به کار می آید. مثلاً درباره سیاست های فرهنگی، روایی نقد و ناروایی تملق را باز می گوید و این که «انتقاد، حقی است که بدان وسیله، سایر حقوق احیا می گردد [و] از استبداد - که خطرناک ترین آفت حکومت ها است - پیشگیری [می] آید... از جمله زیباترین و هیجانبین بارترین اقدامات علوی در تصحیح فرهنگ عمومی مبارزه با چاپلوسی و تملق گویی و تأکید بر لزوم نقد و انتقاد سازنده است. <sup>۱۶</sup> سپس نیک می نماید که امام (ع)، نه تنها، زبان منتقدان را نمی برید و از نظارت دیگران بر نمی آشفست، بلکه روحیه انتقادگویی را پرورش نیز می داد و از کارگزاران خود می خواست که در عمل نیز نقدپذیر باشند و به شعار «نقدپذیری» بسنده نکنند که فریبی بیش نخواهد بود.

از نکات آموزنده و خواندنی کتاب حاضر هم در «درآمد» و هم در «متن» طرح تأسیس «بیت القصص» به ابتکار حضرت علی (ع) است که کم تر از آن سخن گفته و نوشته اند. در بخش تبیین سیاست های اجتماعی امام (ع) سخن از جا و مکانی

۱۰. همان.

۱۱. مثنوی معنوی، دفتر اول، داستان خدو انداختن عدو بر روی علی (ع).

۱۲. سیاست نامه، ص ۲۰.

۱۳. همان، ص ۳۵.

۱۴. دهانم الاسلام، ج ۱، ص ۷۱، به نقل از کتاب حاضر.

۱۵. همان.

۱۶. همان، ص ۴۷. افزوده های داخل کروشده از نگارنده است. از همین نمونه ها می توان دریافت که کتاب بسیار عجولانه حروفچینی و غلط گیری شده است؛ زیرا از این قبیل افتادگی ها در سرتاسر کتاب به چشم می خورد.

می رود که دادخواهان می توانستند، شکواییه خود را بنویسند و بدان جا اندازند. گویا این شیوه برای آن بوده است که اگر دادخواهی - به هر دلیل - نتوانست، صدای خود را به گوش حاکم برساند یا از آن بیم و پروا داشت، بدین وسیله داد بخواهد و سخن خود را گفته باشد. هر چند مؤلف - به نقل و تبع «عقد الفرید» - احتمال داده اند که «این کار در تاریخ، اولین گام در جهت مرتبط ساختن مردم با هیأت حاکم است»،<sup>۱۷</sup> کمابیش شبیه این ماجرا در حکومت های عادلانه یا نیمه عادلانه تاریخ، گزارش شده است.

به هر روی در تاریخ اسلام، بیت القصاص را باید ابتکار و نشانه عدالت خواهی واقعی حضرت دانست.

در بحث از سیاست های علوی در زمینه های فرهنگ، اقتصاد، جنگ، قضا و ... جادداشت عنوانی نیز به سیاست های علی (ع) در مواجهه با مخالفان اختصاص پیدا می کرد. هر چند در همین مقدمه و لابه لای بحث از سیاست های حکومت علوی، به این موضوع اشارت و بل صراحت وجود دارد،<sup>۱۸</sup> به اقتضای فضا و روح کلی مباحث کتاب که کاربردی و روزآمد بودن، شاخصه آن است، جاداشت به این مسأله مجزا و مستقل می پرداخت. به ویژه، این موضوع، بهترین جایی که می تواند بر ظهور و کندوکاو پیدا کند، در سیاست نامه امام علی (ع) است. زیرا هیچ حاکم اسلامی، به اندازه آن بزرگوار مخالف نداشت و هیچ حکمرانی به میزان و گستره اخلاق علوی، مخالفان خود را شرمنده عدالت و قسط گستری خود نکرده است. آیا کسی را می توان یافت که به اندازه او، دوست را بنوازد و دشمن را نگدازد؟

در پایان فصل دوم درآمد که درباره انواع سیاست های علوی است، شاهد «جمع بندی» مختصری هستیم که خلاصه آن بدین قرار است:

تأمل در آنچه آمد، نشان دهنده آن است که سیاست از دیدگاه امام علی (ع) ابزار حکومت بر مبنای حقوق انسانی و نیازهای واقعی مردم است، نه ابزار سلطه زورمداران و متجاوزان به حقوق مردم.<sup>۱۹</sup>

مباحث فصل دوم درآمد، زمینه را برای پاسخگویی به پرسش ها و انتقادهای طرح شده درباره سیاست های امام علی (ع) آماده می کند. بدین روی فصلی دیگر را پیش روی خواننده می گذارد که موضوع و عنوان آن «دفاع از سیاستمداری امام (ع)» است. پاره ای از این انتقادهای به مدارای امام با خلفا باز می گردد و پاره ای دیگر شبهه کسانی است که گفته اند: «اگر علی (ع) مرد سیاست بود، چرا شرط عبدالرحمان بن عوف را

نپذیرفت و حکومت را به عثمان و اداد؟» یا «اگر امام با سیاست عمل می کرد، نباید در آغاز حکومت، با عناصر مخالف، به ویژه طلحه و زبیر که چهره های موجهی بودند، و معاویه که در شام سلطه و نفوذ داشت، بدانسان برخورد می کرد، باید موقتاً می ساخت و خواسته های آنان را تأمین می کرد و پس از استقرار حکومت، به قلع و قمع آنان می پرداخت.» (ص ۹۳-۹۶)

مؤلف، پاسخ همه این انتقادهای کوتاه نظرانه را با ارجاع به نوع نگاه علی به حکومت و سیاست، می دهد.

«دلایل تنهایی امام علی (ع)» موضوع مباحث بعدی درآمد است که در آن نقش خواص در دگرگونی های سیاسی - اجتماعی و نقش مردم کوفه در حکومت علی (ع) بررسی می شود. پایان بخش این فصل از «درآمد» بیان «اوج قدرت رهبری در اوج تنهایی» است.

پس از این درآمد بلند، متن و ترجمه فصول دهگانه کتاب می آغازد.

عنوان فصول بدین قرارند:

- بیعت نور؛
- اصلاحات علوی؛
- سیاست های اداری؛
- سیاست های فرهنگی؛
- سیاست های اقتصادی؛
- سیاست های اجتماعی؛
- سیاست های قضایی؛
- سیاست های امنیتی؛
- سیاست های جنگی؛
- سیاست های حکومتی.

در فصل نخست (بیعت نور) از آزادی مردم در انتخاب علی (ع)، بی میلی امام به حکومت، انگیزه های پذیرش حکومت، نخستین بیعت کننده، بیعت عمومی، روی برگرداندگان از بیعت و ... سخن رفته است. (ص ۱۴۲-۲۲۵)

در فصل اصلاحات علوی، غیر از آن که پاره ای از دشواری های اصلاحات را در آن عصر شمرده است، نمونه هایی از اصلاحات امام را یادآور شده است، که کنار نهادن کارگزاران عثمان و بازگرداندن ثروت های عمومی به بیت المال، از آن جمله است.<sup>۲۰</sup>

۱۷. همان، ص ۶۸.

۱۸. مثلاً در بحث از «تساوی همگان در برابر قانون» (ص ۷۳) به اختصار در این باره سخن رفته است.

۱۹. همان، ص ۹۱-۹۰.

۲۰. همان، ص ۲۲۹-۲۶۱.

این باره در «درآمد» سخن گفته بود، اشاره بدان در این جا بسیار مناسب می نمود. به ویژه آن که تمام مباحث این فصل، چنان پرسشی را در ذهن خواننده برمی انگیزد و می خواهد بداند که چرا حکومت علوی به رغم آراستگی به اسباب ماندگاری، و پیراستگی از عوامل زوال، چندان نپایید و یکی از کوتاه ترین حکومت ها در طول تاریخ اسلام است.

نگارنده در پایان این معرفی، نکاتی را درباره متن و ترجمه آن، در خور یادآوری می داند که برمی شمرد:

۱. درباره متن کتاب که در واقع بخشی از یک مجموعه بزرگ به نام «موسوعه الامام علی بن ابی طالب (ع) فی الکتاب والسنه والتاریخ» است، مهم ترین نکته ای که ذهن نگارنده را به خود مشغول کرده است، انتزاعی بودن عناوین و موضوعات است. باید پذیرفت که طبیعت موضوع (سیره علی) و توان بازدهی منابع، جز این را ممکن نمی سازد؛ لیکن در چنین مواقعی باید چاره ای اندیشید تا کم ترین آسیب را از انتزاعی بودن مدخل ها دید.

موضوع و مدخل گاه انتزاعی است؛ بدین معنا که مؤلف یا مؤلفان، نخست موضوع را در ذهن خود برمی گزینند، آن گاه در منابع، موادی را برای آن می یابند. اما در مدخل های اصطیادی، مؤلف یا مؤلفان عنوان و موضوع را از میان منابع می یابند و در موضوع و محمول، هم متبوع و هم تحلیل گرند. موسوعه الامام علی (ع) مانند اکثر آثار مشابه، مدخل های انتزاعی دارد. یعنی مؤلف آن نخست در ذهن خود، موضوعی را یافته است، سپس برای آن شاخ و برگ در نظر گرفته است؛ آن گاه به سراغ منابع و مآثر رفته، برای موضوعات گزینشی خود، موادی را فراهم آورده است. مثلاً وی برای پایایی و ماندگاری حکومت ها، نخست اسبابی را اندیشیده است که عدل و تدبیر از آن جمله اند، سپس سخنان حضرت را در آن باره ضمیمه موضوع می کند. بگذریم از این که گاه موادی که ذیل موضوع می آورد، ربط سستی با موضوع خود دارد. نمونه را می توان به روایت مشهور حضرت درباره عدل توجه کرد که فقط به جبر عنوان، این روایت، با سیاست های حکومتی حضرت، گره خورده است. نمونه دیگر را می توان در اصلاحات علوی نشان داد. گویا مؤلف دانشمند موسوعه، نخست به ضرورت عنوان «اصلاحات» پی برده، آن گاه نمونه هایی که می توانند مصداق اصلاحات باشند، در سیره حضرت یافته و گفته است. اولاً تعریف ایشان از اصلاحات، معلوم نیست؛ ثانیاً در مصداق یابی برای اصلاحات، گشاده دست نبوده اند؛ زیرا مثلاً اصلاحات عقیدتی را هیچ یاد نکرده اند. حال آن که بخش عمده ای از اصلاحات علوی، در قلمرو پیرایش عقاید و باورهای دینی مردم بود.

سیاست های اداری حضرت را با بیان شماری از فضیلت های علی (ع) آغاز می کند که صداقت و حق مداری نمونه های روشن آن است. سپس قانونگرایی، سازش ناپذیری، برنامه ریزی و سازماندهی، گزینش کارگزاران شایسته، کنار نهادن خائنان و ناتوانان، گشاده دستی در تأمین مالی کارگزاران، تشویق و تنبیه و قاطعیت را از عناصر اصلی سیاست اداری حضرت نام می برد. (ص ۲۶۹-۳۲۷)

توسعه آموزش و پرورش، پرهیز در برهم زدن سنت های پسندیده، ستیز با سنت های ناپسند، پرهیز از مراسم استقبال، انتقادپذیری و ستایش گریزی و حق مداری در شناخت مردان، سیاست های فرهنگی حکومت علوی را تشکیل می دهند.

در بخش سیاست های اقتصادی، سخن را از تشویق به کار آغاز می کند و با پارسایی و احتیاط در هزینه کردن بیت المال پایان می دهد. در این بین از انواع توسعه (کشاورزی، صنعتی، تجاری) سخن می رود؛ همچنین گوشه هایی از سیره نورانی حضرت را در حمایت از طبقات پایین جامعه و اهتمام آن گرامی به سرپرستی یتیمان، بازگو می کند. آن گاه سخن را به دامنه سیاست های اجتماعی می کشاند و در آن جا عدالت و حق مداری علی را در مواجهه با مردم به قلم می آورد.

سیاست های قضایی و امنیتی امام علی (ع)، موضوع پاره ای از مباحث مهم کتاب است، که اهم آن ها بدین قرارند:

- تأمین مالی قضات؛
- عزل قضات متخلف؛
- وحدت رویه قضایی؛
- جایگاه مصلحت نظام اسلامی در انشای حکم؛
- کوچک نشمردن دشمن؛
- کیفر ندادن بر پایه گمان و حدس؛
- پرهیزاندن از شکنجه؛
- موقعیت شناسی در برخورد با دشمنان.

سیاست های جنگی و حکومتی، عنوان آخرین فصل های کتاب است. در آخرین فصل که سیاست های حکومتی امام علی (ع) موضوع سخن است، نخست اسباب ماندگاری دولت ها را از زبان امام (ع) بیان می کند، که چهار چیز است: عدالت گستره؛ تدبیر نیکو؛ نیک سیرتی؛ بیداری و مراقبت از کارها. پس از آن عوامل سقوط دولت ها را برمی شمرد که ستمگری و انحصارطلبی از آن جمله است.

جا داشت که مؤلف در این جا نیز یادآور می شد که چرا دولت علوی که همه اسباب ماندگاری را در حد اعلای داشت، و به هیچ یک از اسباب زوال حکومت آلوده نبود، نپایید. هر چند در

در کوفه کسی نبود، جز آن که بر خوردار و بهره مند [از زندگی] بود. پایین ترین مردمان کوفه از نظر جایگاه [اقتصادی، چنان بود که] نان گندم می خورد و در سایه می نشست و از آب فرات می نوشید. (ص ۴۱۳)

اولاً تمام توضیحات مترجم در گروه زائد است؛ برای «ناعماً» همان ترجمه «بر خوردار» کافی بود و «بهره مند» از نوع عطف های بی نقش است. به ویژه آن که بالاخره همه مردم از ضعیف و قوی، بر خوردار و بهره مند از زندگی اند؛ حال آن که مراد حضرت آن است که بگوید مردم کوفه زندگی مرفه و راحتی داشتند. بنابراین باید به همان کلمه «بر خوردار» اکتفا می شد و «از زندگی» را نمی آورد. همه از زندگی بهره مندند، چه مردم کوفه و چه غیر مردم کوفه. آنچه مردم کوفه را ممتاز می کرد «بر خورداری» بود، نه «بهره مندی از زندگی».

ثانیاً، ظاهراً مراد حضرت از «ماء الفرات» آب شیرین باشد، نه آب رودخانه فرات؛ یعنی «فرات» صفت است نه مضاف الیه. به قرینه «نان گندم» که آن هم ترکیب وصفی است.

مترجم محترم، برای پاره ای از عبارات و کلمات، ترجمه گریایی به دست نداده اند و درک و فهم آن ها را به خواننده واگذاشته اند. نمونه را به عبارات زیر توجه فرمایید:

متن عربی:

کتب علیّ الی عمر بن مسلمة الارحبی: أما بعد، فانّ دهاقین عملک شکوا غلظتک، ونظرت فی امرهم فما رأیت خیراً، فلتنک منزلتک بین منزلتین. جلباب لّین، بطرف من الشدة، فی غیر ظلم ولا نقص؛ فانهم احیونا صاغرین، فخذ مالک عندهم وهم صاغرون ولا تتخذ من دون الله ولیاً... ۲۲

ترجمه فارسی:

علی (ع) به عمر بن مسلمة ارحبی نوشت: پس از حمد و سپاس خداوند؛ دهقانان منطقت، از درشتی ات شکایت کرده اند و من در کنار آنان نگرستم و خیری ندیدم. باید موضع تو میان قدری نرمی و اندازه ای درشتی باشد، [البته] بدون ستم و کم گذاشتن. به درستی که آنان با کوچکی، با ما هم زیستی می کنند. پس حقوقت را با کوچکی از آنان بستان و غیر خدا را دوست مگیر. ۲۳

۲۱. فرموده امام (ع) «فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ اقْرَاطَ الْفُقَرَاءِ» است. این ترجمه، تحت اللفظی است و به همین دلیل نامفهوم شده است؛ زیرا «واجب کردن روزی» معنای روشنی ندارد.

۲۲. سیاست نامه امام علی، ص ۳۲۴.

۲۳. همان، ص ۳۲۵.

پیش تر یادآور شدیم که این کاستی، ظاهراً اجتناب ناپذیر است؛ ولی چنانچه مؤلفان در حوزه تخصصی خود، مدخل یابی کنند، توفیق بیش تری دارند. از این رو در کار بزرگی مانند موسوعة الامام علی (ع) تقریباً همه مدخل های آن نیاز به کارشناسی های وقت گیر و زمان برد دارد که بالطبع از عهده یک تن، بیرون است. چنین کار بزرگی که حجم موضوعات و عناوین آن از ۲۰۰۰ فقره افزون تر است، حداقل نیازمند ده ها کارشناس و متخصص و مدخل شناس است. فراموش نشود که این مشکل در پاره ای از دائرةالمعارف ها یا دانشنامه ها کم تر است؛ زیرا در برخی از آن ها، موضوع اصلی، خود فرعیات خویش را باز می گوید و انتزاع را در آن جا چندان حاجت نیست؛ مانند مجموعه ای که موضوع آن تاریخی یا علمی است.

عنوان «موسوعه» نیز نمی تواند رافع این اشکال باشد؛ هر چند کمابیش توجه گر است. موسوعه، عنوانی است که در آن ادعای استقصای کامل نیست؛ ولی دست نویسنده خود را برای ترجیح هر موضوعی بر موضوع دیگر یا کاستی های چشم گیر، باز نمی کند. این را نیز باید افزود که در موضوعی مانند سیره امام علی (ع) دیگر مشکل منبع و مأخذ وجود خارجی ندارد. اینک نوبت دسته بندی، تحلیل و استنتاج نصوص است. موسوعه، توفیق بزرگی در دسته بندی یافته است؛ ولی دادن نظام کارآمد به همه منابع مربوط به سیره بزرگان، کار بزرگی است که بالطبع از عهده یک یا چند نفر بیرون است و توان ها و قلم های بسیاری را می طلبد.

۲. غیر از مقدمه ها و درآمد کتاب که یکسر فارسی است، فصل های دهگانه کتاب، همراه متن عربی آن ها آمده است. بدین ترتیب که در صفحات زوج متن عربی و در صفحه مقابل ترجمه آن به چشم می خورد. این شیوه از محسنات چنین کتابی است؛ به ویژه برای کسانی که مجلدات موسوعه را نزد خود ندارند. مترجم در ترجمه آیات، عبارات نهج البلاغه و جملات غرر الحکم، به ترتیب از ترجمه آقایان فولادوند، شهیدی و مرحوم آقا جمال خوانساری سود جسته است و این را در «سخن مترجم» گفته است. در غیر این موارد، به قلم خویش ترجمه کرده است که گاه شیوا و گاه سست، از آب درآمد است. به نمونه های زیر توجه فرمایید:

– روزی تهی دستان را در مال های توانگران واجب کرد. ۲۱ (ص ۴۱۳)

ظاهراً مرادشان این است که روزی تهی دستان را در مال های توانگران نهاده است؛ اما واجب کردن روزی کسی در مال دیگری، معنای روشن و شفافی دارد.

«دهاقین عملک» را ترجمه کرده اند: «دهقانان منطقه ات». آنچه خواننده کنونی از کلمه دهقان می فهمد، کشاورز و یا هر کس دیگری است که سر و کارش با زمین است. حال آن که این کلمه، تطورات بسیار پشت سر خود دارد و قطعاً معنای کهن آن، غیر از معنای امروزی او است. دهقان، معرب ده + گان است و به این معنایی به کار می رفته است: منسوب به ده، ایرانی نژاد، صاحب زمین و مالک، خرده مالک، ایرانی در برابر تازی، رئیس اقلیم، امیر ... ۲۴

روشن است که امروزه هیچ فارسی زبانی از کلمه دهقان، هیچ یک از معنایی بالا را اراده نمی کند. وقتی دهاقین به دهقان ها ترجمه می شود، خواننده به این گمان می افتد که مراد کشاورزان است؛ حال آن که قطعاً مراد امام (ع) این طبقه نبوده اند و از سیاق کلمات - به ویژه اقتباس «وهم صاغرون» از قرآن در کلام امام - چنین برمی آید که مراد حضرت، شهروندان غیر عرب بوده است.

سایر عبارات این ترجمه نیز خالی از خلل نیست؛ بنگرید: - موضع تو میان قدری نرمی و اندازه ای درشتی (!) باشد، البته بدون ستم و کم گذاشتن.

اولاً «اندازه ای درشتی» قابل عطف به «قدری نرمی» نیست. ثانیاً «البته بدون ستم و کم گذاشتن» قید است برای درشتی؛ ولی عبارت به گونه ای است که به هر دو (ترمی و درشتی) برمی گردد، که کاملاً بی معنا خواهد شد.

- به درستی که آنان با کوچکی، با ما هم زیستی می کنند. تعبیر «وهم صاغرون» از تعبیر قرآنی است که سوره توبه و نحل و چند جای دیگر قرآن به کار رفته است. در سوره توبه (۹) آیه ۲۹، خداوند به مؤمنان فرمان می دهد که از اهل کتاب جزیه بگیرند، در حالی که آنان خاکسارند. یعنی باید جزیه خود را از سر خاکساری و خردی بپردازند. همین آیه، تأیید می کند که مراد از «دهاقین» مردم غیر مسلمان از کشورهای تحت حکومت اسلامی است که قادر به پرداخت مالیات اند. «عمل» نیز در آن جا به معنای مالیات گیری است. زیرا «عامل» به کسی گفته می شد که از طرف حکومت مرکزی، وظیفه اخذ مالیات را از مردم داشت. بنابراین جمله «فأحیونا صاغرین» علت است برای «فلتکن منزلتک بین منزلتین». زیرا آنان با ما زندگی می کنند، از این رو باید با آنان نرم بود و چون غیر مسلمان اند (دهاقین) پس نباید از نرمی حاکم اسلامی سوء استفاده کرده، صاغر بودن خود را فراموش کنند.

از همه عجیب تر ترجمه «فخذ مالک وهم صاغرون» است. مترجم، آن را چنین به فارسی برگردانده اند: «پس حقوقت را با

کوچکی از آنان بستان و غیر خدا را دوست مگیر. بسیار روشن است که مراد حضرت (ع) آن بوده که به عامل خود گوشزد فرماید که «آنچه برای تو است و نزد آنان است، بگیر در حالی که آنان کوچک اند.» بعید می دانم خواننده از آن ترجمه به مفاد این عبارت پی برد. نقص عمده آن است که از هیچ جای این عبارت فهمیده نمی شود که بحث در جزیه و مالیات است و تعبیری مانند «حقوقت را بگیر» خواننده را گمراه نیز می کند؛ در حالی که از کلماتی مانند «دهاقین» و «عملک» و تعبیری مانند «وهم صاغرون» نیک برمی آید که سخن بر سر جزیه است.

- «من غوص البحر» ترجمه شده است: «از غواصی دریا»! ۲۵

حال آن که معنای آن «از درون یا ته دریا» است. از این نمونه ها که در آن ها، ترجمه دچار خلل، نامفهومی، بدفهمی و نارسایی است، کم نیست و همین مسدود بدون انتخاب و جستجو معروض شد.

این را نیز می توان گفت و احتمال داد که مترجم، آن مقدار که با زبان مبدأ آشنا است در زبان مقصد، دستی ندارد و آن مقدار که زبان مقصد را می شناسد، زبان مبدأ را نه. بدین روی عبارت پردازی های کتاب، - جز آن مقدار که برگرفته از ترجمه های دیگران است - نوعاً قابل ویرایش غلیظ است که متأسفانه در مرحله ویراستاری، این مشکل حل نشده است.

۳. متأسفانه، اغلاط انشایی نیز در این ترجمه، مجال بسیاری یافته است. گویا شتاب در چاپ و نشر این اثر گرانبها دست اندرکاران نشر را از بازخوانی و غلط گیری های دقیق باز داشته است. میزان اغلاط چنان است که راه را بر توجیه می بندد و گاه خواننده را با مشکل در هنگام خواندن مواجه می سازد. ۲۶

به هر روی «سیاست نامه امام علی (ع)» کاری ارجمند و راهگشا است و برای آنان که در سیره و اندیشه امام علی (ع) می پژوهند، هدیه ای بس مغتنم است. به حتم باز نویسی و ویرایش مجدد این اثر ارزنده، بر فایده آن خواهد افزود.

همین جا تلاش و اهتمام مؤلف موسوعه الامام (ع) را ارج می نهمیم و برای مترجم نیز آرزوی توفیقات بیش تر می کنیم. جزاهما الله عن امیر المؤمنین خیر الجزاء.



۲۴. شاهنامه فردوسی، به کوشش پرویز اتابکی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۴۵۹.  
۲۵. همان، ص ۴۳۰.  
۲۶. ر. ک: همان، ص ۹۴، سطر آخر؛ ص ۴۶، س ۱۶ و ۱۷، و ...



سیاست نامه امام علی (ع) در یک نگاه